

انحرافات مهدویت

۱.

انحرافات مهدویت

در طول تاریخ، دین اسلام به ویژه اندیشه مهدویت همواره مورد هجوم دشمنان قرار گرفته است. دشمن برای مقابله و ضربه زدن به اندیشه مهدویت از روشهای گوناگونی استفاده میکند.

ایجاد و حمایت از فرقه های انحرافی، یکی از این روش هاست.

شکل گیری و رشد فرقه های انحرافی، نتایج منفی زیادی را برای اسلام، بخصوص شیعیان به همراه داشته است. به همین دلیل قصد داریم ضمن بررسی جریان های انحرافی؛ به عوامل پیدایش، ویژگی ها، پیامدها و راه و روش مقابله با این جریان ها پرداخته و با معرفی برخی از این فرقه ها، حقیقت اصلی آنها را آشکار کنیم. با ما همراه باشید.

۲.

ناآگاهی؛ یکی از عوامل پیدایش جریانهای انحرافی

در گام اول ما به عواملی می پردازیم که باعث پیدایش جریان های انحرافی می شوند. عوامل پیدایش جریانهای انحرافی، خود به دو گروه تقسیم می شوند:

عوامل پدید آورنده

عوامل استمرار بخش

یکی از عوامل مهم پدید آورنده فرقه ها، ناآگاهی توده مردم است. به همان اندازه که دانش و آگاهی باعث هدایت و نجات می شود، جهل و ناآگاهی، سبب گمراهی و به بیراهه رفتن انسان خواهد شد. افراد جریان ساز فرقه های انحرافی، همیشه از جهل و ناآگاهی افراد، بیشترین استفاده را کرده اند.

آگاهی های معتبر در عرصه مهدویت، به راستی باعث می شود تا علاقه مندان به این عرصه و جریان، هرگز فریب افراد منحرف را نخورده و خود را از این جریان ها دور نگه دارند.

درسنامه مهدویت، ج ۴، ص ۱۷۱

۳.

مشکلات اجتماعی و اقتصادی

یکی دیگر از عوامل پدید آورنده ی جریان های انحرافی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی است.

مهدویت به خاطر نوع نگاهش به آینده و نیز امید بخشی، که یکی از اثرات اعتقاد ما به ظهور امام مهدی است، همیشه درمانی بر دردهای انسان های مظلوم و ستمدیده بوده است؛ ولی گاهی این نوع نگاه از حد تعادل خارج شده و با زیاده روی هایی همراه می شود.

مردم هنگامی که خود را در مواجهه با کوهی از مشکلات می بینند، به جستجوی پناهگاهی مطمئن میگردند تا به وسیله ی آن به آرامش برسند. در چنین شرایطی مردم برای درمان دردهایشان، به سراغ هر دارویی می روند. غافل از اینکه، استفاده از دارو بدون مشورت با فرد متخصص، خود دردی بر درد ها اضافه می کند. در این میان برخی انسان های بدکار و بی دین، با سوء استفاده از این حالت افراد و شوق و علاقه آنها به جریان مهدویت، با القای برخی ذکرها و وردها در پی جذب افراد آماده و علاقه مند به این حوزه هستند، تا بتوانند به اهداف شیطانی خود برسند.

درسنامه مهدویت، ج ۴، ص ۱۷۲

۴.

با ارزش ها را بی ارزش می کنیم

دو عامل از عوامل پدید آورنده جریان های انحرافی، زیاده خواهی و اعتبار کم برخی متون است. زیاده خواهی:

کسانی که از چهارچوب دین خارج و زیاده خواه باشند چه طور انسان هایی هستند؟

قطعا این افراد استعداد و آمادگی بیشتری برای انحراف از دین و حتی منحرف کردن دیگران دارند.

مثل کسانی که برای بدست آوردن پول بیشتر، خارج از چهارچوب و عرف عمل می کنند و رو به دزدی، ربا و ... می آورند.

اعتبار کم برخی متون:

منابع و متون مهدوی در طول تاریخ فراز و فرودهایی داشته و با وجود تلاش های فراوان بزرگان دین، برخی از این منابع و مطالب به شکل نادرست ثبت شده است

رهبران جریان های انحرافی از منابع و متون مهدوی کم اعتبار در جریانهای انحرافی خود استفاده می کنند تا مهدی یاوران ارزشمند بیشتری را بی ارزش کنند.

درسنامه مهدویت، ج ۴، ص ۱۷۲

۵.

منفی در منفی، مثبت

آخرین عامل از عوامل پدیدآورنده پیدایش جریان های انحرافی، حمایت دشمنان است. حمایت دشمن از جریان های انحرافی یک پدیده مثبت برای ما است. ولی قبل از آن باید دشمنت را بشناسی، مثلا باید بدانی دشمن دست به هر کاری می زند تا مهدی باوران را منحرف کند.

چرا؟ چون باور به مهدی موعود، حرکت زا است و این حرکت به سمت ظلم ستیزی است. شما می توانید با همین فرمول جریان بهیبت را یک جریان باطل بدانید زیرا این جریان روابط دوستانه و مشهودی با حکومت های استعماری مثل انگلیس، آمریکا و اسرائیل داشته است.

واقعا تا کی باید جولان دادن دشمنان در افکارمان را تحمل کنیم؟

۶.

داستان سُرَیان دروغین

در پیام های قبلی عوامل پدید آورنده جریان های انحرافی را بررسی کردیم؛ در اینجا به عوامل استمرار بخش جریان های انحرافی می پردازیم. این یک قانون است که هر چیزی بعد از ایجاد شدن باید نگهداری شود حتی جریان های انحرافی.

یکی از عوامل استمرار بخش جریان های انحرافی، ساختن حکایت است. در اینجا باز هم یک سر ماجرا ناآگاهی است.

جریان سازان با سوء استفاده از باورهای مردم، داستان‌ها و حکایاتی را برای آنها تعریف می‌کنند و از این راه هواداران خود را، همراه خود نگه می‌دارند. مثلاً درباره فلان شخص خواب دیده شده که مورد عنایت اهل بیت است، یا اینکه کسی درباره جلسات برگزار شده در عالم رویا چنین و چنان دیده است.

داستان‌های واقعی و تاریخی ما، جذاب‌تر از داستان‌های دورغین آنهاست؛ با این وجود کسی آنها را نقل نمی‌کند. چرا دشمن در باطل خود تلاش می‌کند و ما در حق خود حداقل مثل آنها نیسیتم؟!

درستنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۷۵

۷.

نهال کثیف!

خواص حامی و خواص غافل؛ دو عامل دیگر از عوامل استمرار بخش جریان‌های انحرافیست.

بسیاری از جریان‌های انحرافی تا زمانی که به انحرافات بزرگ دچار نشده‌اند، معمولاً از طرف خواص مورد فراموشی قرار می‌گیرد. توجه‌شان هم این است که اگر به آنها پردازیم بزرگ می‌شود، فراموششان کنیم تا از یاد بروند! در واقع آنها فرصت می‌گیرند تا این نهال کثیف در افکار مردم تبدیل به درخت شود.

اگر افراد و جامعه هدف این جریان، راه درست را به خوبی بشناسند، حتی کوچکترین انحراف را نمی‌توانند نادیده بگیرند.

درستنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۷۴

۸.

هفت میلیارد پیامبر

بعد از بررسی عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی، در گام دوم به ویژگی‌های این جریان‌ها می‌پردازیم. اولین ویژگی عقل‌گریزی است.

هم‌اکنون ما هفت میلیارد چراغ داریم که جز تعدادی از آنها، بقیه خاموش‌اند و این وضعیت جهان تاریک‌ماست، که تنها خود باید روشنش کنیم. اما امان از تاریکی؛ گروهی دست به دزدی زده و باورهایمان را به یغما می‌برند.

این مثال مصداق همان جریان‌های انحرافیست که پیروان خود را به پرهیز از عقلانیت و پیروی بی‌چون و چرا می‌خوانند.

بله! عقل همان چراغ و پیامبر درونی ماست که می تواند جلوی این فاجعه را بگیرد، البته به شرطی که روشن باشد! اسلام، همان دین جهانی که خداوند آنرا پسندیده، همیشه بهره مندی از عقل را سفارش کرده است.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۷۵

۹.

انحرافیه آسفالت شده

در این شماره به بیان دو ویژگی دیگر جریان های انحرافی میپردازیم. اگر جریان های انحرافی مبنای خود را بر باطل قرار دهند، جز انسانهای پلید، کسی دور آنها جمع نمی شود. آنها برای جذب مردم از فریبکاری استفاده می کنند یعنی همان گنجشک رنگ کردن و قناری نشان دادن.

در این راه آنها بخشی از حق را با بخشی از باطل در می آمیزند تا بتوانند مشتری جذب کنند. در این بین علما می توانند تهدید خطرناکی برای این جریان انحرافی باشد و با افشاگری، پشت صحنه کثیف این جریان را فاش کنند و مانع کاسبی آنها شوند. نکته مهم این است که در این چنین وضعیتی جریانهای انحرافی علما را به صورت یک چهره منفی نشان می دهند.

راه انحرافی گاهی اوقات آسفالت شده و مرتب نشان داده می شوند، ولی پایان مسیر چیزی جز دره منتظر تو نیست.

درسنامه مهدویت، ج ۴، ص ۱۷۶

۱۰.

سیب یک میوه جهنمی است!

برای اینکه تا ابد سیب بخورید، باید جهنمی شوید!

یکی از ویژگی های جریانهای انحرافی، خرافه پردازی است. دشمنان برای آسیب زدن به تنها راه نجات، یعنی جریان پاک مهدویت، دست به هر کاری می زنند.

برگزاری نماز جماعت به امامت حضرت مهدی و پهن کردن سجاده برای ایشان، و ساخت برخی مکان ها و انتساب آن به حضرت مهدی، نمونه ای از خرافاتی است که امروزه رشد چشم گیری داشته است.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۷۷

۱۱.

وقتی خودمحوری پا جای حقیقت میگذارد

یکی دیگر از ویژگی های جریان سازان این است که همواره خودشان را به جای حقیقت، اصل و محور قرار می دهند و چون خود را دارای کرامات و توانمندی های بسیاری نشان داده اند، مریدانشان همواره نگران جدا شدن از ایشان هستند.

ویژگی دیگر این جریان ها، استفاده از روایات ساختگی و چند پهلو است تا بتوانند در زمان گرفتاری با تفسیرهای من در آوردی، خود را از مهلکه نجات بدهند.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۷۸

۱۲.

دروغین، بی ثبات، نفسانی

دادن شان و جایگاه دروغین به هواداران، بی ثباتی در باورها و پیروی از خواسته های نفسانی سه ویژگی دیگر جریان های انحرافی است.

جریان های انحرافی بعد از به دام انداختن اشخاص (با بی ثبات کردن باور هایشان)، آنها را شکار می کنند و سعی در پروار کردن طعمه دارند و به آنها شان و جایگاه دروغین می دهند و بعد، از طعمه خود لذت می برند و از آنها برای پاسخگویی به امیال نفسانی خود (مانند امیال جنسی که موارد بسیاری، در پرونده های جریان های انحرافی گزارش شده است) استفاده می کنند.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۷۹

۱۳.

قضاوت از روی ظاهر، ممنوع!

استفاده از ویژگی خاص ظاهری، یکی از عواملی بوده است که جریان سازان بتوانند به راحتی مردم را فریب دهند؛ مثلا داشتن لباس روحانیت، سید بودن، برخورداری از بیان جذاب و...

البته ادعاهای عجیب جریان سازان در جلب جوانان نیز بی تاثیر نبوده؛ مانند ادعای همسری امام زمان و...

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۸۰

۱۴.

زلزله و تخریب اعتقادات

مهمترین پیامد منفی جریانهای انحرافی، تزلزل در باورهای دینی و مذهبی افراد است که این خود گناه بزرگ و نابخشودنی است. وقتی مریدی از رهبر خود سرخورده میشود و از جریان آنها جدا میشود نسبت به دین و افراد دیندار بدبین میشود و اعتقادات دینی خود را از دست میدهد.

پیامد بعدی این انحرافات، از بین بردن سرمایه های فکری است. بدون شک امروزه مکتب اهل بیت، بیش از هر زمان دیگری نیازمند استفاده از نیروهای فکری در زمینه های مختلف است. از دست رفتن این نیروها، خسارت بزرگی به پیروان اهل بیت وارد میکند.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۸۰ و ۱۸۱

۱۵.

عالم منحرف یعنی دو تا پنج تا!

همانطور که هیچگاه دو تا پنج تا نمی شود، شخص آگاه هم منحرف نمی شود، پس برای پیروزی باید علمی مبارزه کرد. در این پیام به راهکارهای علمی برای رویارویی با جریان های انحرافی میپردازیم.

استفاده از آگاهی های معتبر:

در گام اول باید آگاهی هایمان را افزایش دهیم آن هم از نوع معتبرش.

طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت:

در گام دوم همه (اعم از روحانیون و کسانی که در حوزه فرهنگ به فعالیت میپردازند) باید با یک کار سیستمی و هماهنگ شده، به رویارویی با جریان های انحرافی بپردازند.

خردورزی و پرهیز از خرافات:

باید آموزه های مهدوی خردمندانه باشد و از بیان خرافات پرهیز شود.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۸۱ و ۱۸۲

۱۶.

به عمل کار برآید

برای مبارزه و رویارویی با جریان های انحرافی باید در حوزه عمل وارد شد.

اولین گام، افشاگری و ایجاد حساسیت در جامعه است. همه مردم به ویژه قشر فرهیخته جامعه، باید با استفاده از فرصت هایی که در اختیار دارد جوان ها را از دام این انحرافات دور کند

دومین گام، جلوگیری از کارها تبلیغی جریان هاست.

یک کلام، ختم کلام! باید بساط انحراف آنها برچیده شود.

درسنامه مهدویت، جلد ۴، ص ۱۸۳

۱۷.

سریالی بر پایه ناآگاهی

مهدویت یک واقعیت اعتقادی و دینی در تاریخ اسلام است؛ برای همین در هر دوره ای با افرادی مواجه میشویم که بر اثر انگیزه های جاه طلبانه، شهرت، دنیا طلبی و... به دروغ ادعای مهدویت نموده اند.

در ادامه این سری پیامها به معرفی برخی از فرقه ها و افراد مدعی مهدویت میپردازیم. مدعیان دروغین به دو گروه پیش از ولادت حضرت مهدی و پس از ولادت ایشان تقسیم میشوند.

مدعیان دروغین پیش از ولادت مانند: کیسانیه، زیدیه، باقریه و... و مدعیان دروغین پس از ولادت مانند: بهائیت، یمانی و...

۱۸.

کیسانیه، اولین فرقه انحرافی

یکی از فرقه ها و شاید اولین فرقه ای که در مهدویت دچار انحراف شد، کیسانیه بود. کیسان شاگرد محمد بن حنفیه بود، او محمد را امام میدانست و برای او مراتب و درجاتی قائل شد که خارج از حد وی بود. کیسانیه بعد از درگذشت محمد بن حنفیه به دو گروه تقسیم شدند:

گروه اول؛ مرگ محمد را انکار کرده و گفتند او پنهان شده تا روزی که به او امر شود ظهور کند. این دسته وی را همان امام منتظر می دانند.

گروه دوم؛ مرگ محمد را باور کردند و پس از او ابوهاشم عبدالله بن محمد را به امامت برگزیدند و به حلول روح محمد در بدن هاشم اعتقاد یافتند.

کیسانیه بعد از محمد بن حنفیه دوازده فرقه شد.

درسنامه مهدویت، جلد ۱، ص ۱۰۲

۱۹.

زیدیه

این فرقه، از فرقه های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی هستند. اینها به روایتی از پیامبر استناد کرده اند که فرمود: «مهدی از فرزندان حسین است و او با شمشیر بپا می خیزد و مادرش بهترین کنیزان خواهد بود.»

پس زمانی که زید علیه امویان قیام کرد، گفتند: پس او مهدی موعود است. بعد از کشته شدن زید پیروان او به فرقه های مختلف تقسیم و قائل به مهدویت زید و منتظر ظهور او شدند.

درسنامه مهدویت، جلد ۱، ص ۱۰۴

۲۰.

باقریه

باقریه به گروهی از شیعیان گفته می شود که معتقد به رجعت امام محمد باقر بودند؛ آنان امام باقر را مهدی منتظر می دانستند.

جابر آخرین فرد از اصحاب پیامبر است که در کهنسالی و با عارضه نابینایی درگذشت. روزی در یکی از کوچه های مدینه به امام محمد باقر برمیخورد و می گوید: «فرزند من، جدت رسول خدا به تو سلام می رساند.»

باقریه گویند از آنجا که جابر مامور رسانیدن سلام از طرف رسول خدا به امام باقر بود، پس آن حضرت «مهدی منتظر» است.

درسنامه مهدویت، جلد ۱، ص ۱۰۵

۲۱.

نفس زکیه

محمد بن عبدالله، معروف به نفس زکیه، در سال ۱۴۵ هجری ادعای مهدویت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد. جالب اینکه پدرش هم با او به عنوان مهدی بیعت کرده است.

نفس زکیه، اولین فرد از علویان است که در زمان عباسیان قیام کرد و معاصر با امام صادق بود. وی از بیعت با منصور خودداری کرد.

روزی امام صادق خطاب به عبدالله بن حسن فرمودند: «گمان می‌بری که پسر همان مهدی است؟ چنین نیست و وقت آن نرسیده است...» پس دست بر شانه عبدالله بن حسن زدند و فرمودند: «این خلافت به شما نخواهد رسید و به زودی هر دو پسر کشته می‌شوند.»

مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۱۱۷؛ درسنامه مهدویت، جلد ۱، ص ۱۰۷

۲۲.

ناووسیه

«ناووسیه» برگرفته از اسم شخصی با نام ناووس از اهالی بصره است. آنان امامت را در امام صادق متوقف می‌دانند و به «صارمیه» معروف هستند. حرفشان این بود که امام جعفر صادق زنده است و نمی‌میرد؛ او مهدی آخرالزمان است؛ آشکار می‌شود و بر مردمان فرمانروایی می‌کند.

در حالیکه امام صادق می‌فرمایند: «هنگامی که سه اسم محمد، علی و حسن، به طور متوالی در امامان جمع شد، چهارمین آنان قائم است.» (۱)

مفضل بن عمر می‌گوید: بر امام صادق وارد شدم و عرض کردم: ای آقای من! کاش جانشین خودت را به ما معرفی می‌کردی. فرمود: ای مفضل! امام بعد از من فرزندم موسی است و امام خلف و موعود منتظر (محمد)، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است.» (۲)

این گروه پس از مدتی از بین رفتند.

۲۳.

اسماعیلیه

اسماعیلیه، به امامت شش امام اول شیعیان اثنی عشری معتقد بودند؛ اما پس از امام صادق، بزرگ ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند اسماعیل، محمد را به امامت پذیرفتند. ریشه پیدایش اسماعیلیه، شاید در این نکته باشد که اسماعیل فرزند ارشد امام صادق، مورد احترام آن حضرت بود؛ به همین دلیل برخی با خود فکر می کردند پس از امام صادق او به امامت خواهد رسید.

اما اسماعیل در زمان حیات امام ششم، از دنیا رفت. پس از شهادت امام صادق، گروهی از اسماعیلیه، مرگ اسماعیل را در زمان آن حضرت انکار کرده و او را امام قائم دانستند که روزی رجعت خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت.

قرامطه (فرقه ای از اسماعیلیه) محمد بن اسماعیل را مهدی موعود می دانستند و عقیده داشتند که وی زنده است و در بلاد روم زندگی می کند. امام صادق در زمان حیات خود، تمام این فرقه ها را طرد و انکار کردند.

درسنامه مهدویت، جلد ۱، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

۲۴.

موسویه

یکی دیگر از فرقه های منحرف در زمینه مهدویت، موسویه است. آنان طرفدار امامت موسی بن جعفر و منتظر رجعت او بودند. این گروه را واقفه نیز می گویند.

از دیدگاه این گروه، امام موسی بن جعفر نمرده و زنده است، تا اینکه شرق و غرب عالم از آن او می گردد و جهان را پر از عدل و داد کند و او مهدی قائم است. گروهی می گفتند: او امام قائم است و از دنیا رفته است. هیچ امامی جز او نیست؛ او پس از مرگ بازگشته و رجعت می کند و در جایی پنهان می شود. گروهی دیگر می گفتند: او کشته نشده و خداوند او را به نزد خود به آسمان برده است و در هنگام قیامت، بار دیگر او را باز می گرداند.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه، ضمن بیان ده ها روایت از این دست، به همه آنها پاسخ داده است.

درسنامه مهدویت، ج ۱، ص ۱۱۱

این گروه طرفدار امامت محمد بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بودند. او از سادات جلیل القدر علوی بود که در زمان حیات پدرش درگذشت و قبرش (امام زاده سید محمد) امروز در نزدیکی «بلد» در فاصله کمی از سامرا قرار دارد و زیارتگاه مردم است.

طرفداران امامت او می‌گفتند: او نمرده و زنده است؛ زیرا پدرش [در زمان حیات] او را برای امامت نامزد کرد و یارانش را به امامت او پس از خود آگاه ساخت؛ از آنجایی که نسبت دروغ بر امام جایز نیست، پس او جانشین پدر است. هرچند او [در ظاهر] در چشم مردم درگذشت؛ ولی او نمرده است و پدرش علی بن محمد از ترس مردم، او را غایب ساخته و او مهدی قائم است.

رسنامه مهدویت، جلد ۱، ص ۱۱۲

عسکریه، فرقه ای از شیعیان امامیه بودند که امام حسن عسکری را مهدی موعود می‌دانستند و قائل به غیبت او شدند. شیخ صدوق، از آنها به عنوان واقفیه نام می‌برد و در مورد آنها می‌نویسد: ادعای واقفیه این بود که امام حسن عسکری در غیبت است؛ اما با شهادت حضرت ثابت شد که ادعای این گروه باطل است.

عسکریه، آخرین فرقه ای بود که در بخش مدعیان دروغین پیش از ولادت به آن پرداختیم. پیام های بعدی پیرامون معرفی مدعیان دروغین پس از ولادت است، که خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

مدعیان دروغین در زمان غیبت صغری

مدعیان دروغین در زمان غیبت کبری

کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، مقدمه کتاب

ادعای دروغین نیابت، آغاز انحراف های بزرگ

در بخش مدعیان دروغین پس از ولادت و در بخش دوران غیبت صغری، موضوع مدعیان دروغین نیابت مطرح است. پس از شهادت امام حسن عسکری برای جلوگیری از پراکندگی شیعیان، سفیران خاص، رهبری آنها را بر عهده گرفتند. در این میان افرادی با انگیزه های متفاوت، اعم از سستی ایمان، طمع در اموال امام، رسیدن به شهرت و انگیزه های سیاسی، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند.

برخی از معروف ترین مدعیان دروغین نیابت عبارتند از:

ابومحمد حسن شریعی

محمد بن حسن نمیری

ابوطاهر محمد بن علی بن هلال

حسین بن منصور حلاج

ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی

احمد بن هلال کرخی

درسنامه مهدویت، جلد ۲

۲۸

شیخیه نقطه آغازین انحراف

در دوران غیبت صغری، یکی از فرقه های مهم انحرافی که باعث ایجاد جریان انحرافی شد، فرقه شیخیه بود. شیخیه، مکتبی است که در اوایل قرن سیزدهم براساس تفکرات شیخ احمد احسائی پایه گذاری شد.

شیخ احمد احسائی و شاگردان او درباره معاد جسمانی و معراج پیامبر و مقامات ائمه و نیز حیات امام زمان و چگونگی ارتباط با آن حضرت، نظرات خاصی دارند که با عقاید اسلامی تفاوت دارد.

وجود عالمی به نام هورقلیا، از جمله اعتقادات آنهاست. آنها باور دارند که امام زمان در عالم دیگری به نام هورقلیا (حد وسط بین عالم دنیا و عالم ملکوت و از جنس عالم مثال) زندگی می کند.

یکی دیگر از اعتقادات آنها، اعتقاد به رکن رابع است. اصول دین شیعه پنج اصل است (توحید، معاد، نبوت، عدل، امامت) در حالی که اصول دین شیخیه ۴ اصل است (توحید، معاد، نبوت، ایمان) یعنی شناخت شیعه کامل، که در زمان غیبت واسطه فیض میان امام غایب و مردم است. او احکام را بی واسطه از امام می گیرد و به دیگران می دهد. به اعتقاد آنها، پیشوایان شیخیه یعنی احسائی و جانشینان او مصداق شیعه کامل و رکن رابع هستند.

نگین آفرینش، ج ۲، ص ۱۷۹

آیا می‌دانید سرانجام شیخیه چه می‌شود؟

بعد از فوت احسائی، بنیان گذار شیخیه، پیروان او سید کاظم رشتی (شاگرد احسائی) را پیشوای خود دانستند. بعد از فوت سید کاظم رشتی، یکی از شاگردان او به نام علی محمد شیرازی، مدعی شد که جانشین اوست؛ که با حمایت جمعی از شاگردان رشتی از او، مرحله ای جدید و حساس در شکل‌گیری فرقه‌های انحرافی ایجاد شد. سرانجام این ادعاها و حمایت‌ها، ایجاد فرقه‌ای جدید به نام «بابیت» بود.

علی محمد شیرازی ادعاهای متفاوتی داشت:

ادعای ذکریت: علی محمد، در ابتدا ادعای ذکریت (مفسر قرآن) کرد.

ادعای بابیت: بعد از آن، خود را باب امام دوازدهم (یعنی واسطه میان مردم و امام زمان) معرفی نمود.

ادعای مهدویت: علی محمد شیرازی، پیش از رفتن به مکه، خود را باب امام می‌خواند و دعوت او هم پنهانی بود؛ اما پس از بازگشت از مکه، خود را مهدی موعود خواند و دعوتش هم علنی شد.

ادعای نبوت: او مدعی نبوت هم شد و احکام اسلامی را با نوشتن کتاب بیان، نسخ کرد. او خودش را از همه انبیای الهی بالاتر می‌دانست و خود را مظهر نفس پروردگار معرفی کرد. او عقیده داشت با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت وعده داده شده در قرآن، به پا شده است.

در نهایت این فرقه بابیت بود که با آماده کردن زمینه، باعث شکل‌گیری انحراف بزرگتری به نام «بهائیت» شد.

بهائیت، ثمره درختی بی‌ثمر

میرزا حسین علی، ملقب به بهاءالله پس از اعدام باب، بر سر جانشینی او با برادرش دچار اختلاف شد؛ این اختلاف منجر به تشکیل دو گروه به نام ازلی‌ها و بهائی‌ها شد. با بالا گرفتن اختلاف و قتل و کشتار بین دو برادر، دولت عثمانی آنها و پیروانش را از هم جدا کرد. بهاءالله و طرفدارانش را به شهر عکا در شمال غرب فلسطین و صبح ازل و پیروانش را به جزیره قبرس فرستاد.

سرانجام حسین علی نوری، در سال ۱۳۰۹ ق، در ۷۵ سالگی در اثر بیماری اسهال خونی در عکا در گذشت و در همانجا به خاک سپرده شد، که امروز قبله بهائیان است. بهاءالله مدعی مقام «من یظهره الله» بود؛ مقامی که در کتاب باب همه را به اطاعت از او دعوت کرده بود. او مدعی شد که پیامبری است که پس از ظهور باب و دین او،

بار دیگر آیین جدیدی به نام بهائیت آورده و دین بیان را نسخ کرده است. البته او به این ادعا اکتفا نکرد و ادعا کرد خدا در او تجسم یافته است. جانشینان بها، بعد از او عباس افندی ملقب به عبدالبهاء و سپس شوقی افندی معروف به ولی امر را به پیشوایی انتخاب کردند و بعد از شوقی، چون او صاحب فرزند نشد، تشکیلاتی به نام بیت العدل ایجاد کردند، تا اداره جامعه بهائی را بر عهده بگیرد.

در حال حاضر بهائیت زیر نظر بیت العدل در شهر حیفا در اسرائیل، با دخالت مستقیم استعمار در حال فعالیت است.

نگین آفرینش، ج ۲، ص ۱۹۴

.۳۱

چه خواستیم، چه شد!

انجمن حجتیه، تشکیلاتی بود که با هدف اصلی دفاع از اسلام در مقابل بهائیت و تلاش برای «فراهم کردن زمینه ظهور امام عصر» در سال ۱۳۳۲ به رهبری یک روحانی شیعه به نام شیخ محمود حلبی تأسیس شد. طبق اساسنامه انجمن حجتیه، این انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نمی‌کرد. رهبران انجمن حجتیه، به‌ویژه شیخ محمود حلبی، ارتباطاتی با سازمان اطلاعات و امنیت کشور، ساواک، داشتند.

بعد از انقلاب، سخنان امام خمینی در ۱۳۶۲/۴/۲۱ به تعطیلی موقت انجمن انجامید. ایشان گفتند: «یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید که معصیت را بردارد، ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات [کج روی‌ها] را بردارید؛ این دسته بندی‌ها را برای خاطر خدا، اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان، اگر ملی هستید، این دسته‌بندی‌ها را بردارید و در این موجی که الان این ملت را به پیش دارد می‌برد، در این موج خودتان را وادار کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید، که دست و پایتان خواهد شکست.»

اما انجمن حجتیه حرکت جدیدی آغاز کرد؛ حرکتی که بیش از همه به وحدت شیعه و سنی آسیب می‌زد. انجمن به منظور دفاع از امامت امیرالمؤمنین، به اهانت بر خلفای سه گانه و نقد اهل سنت پرداخت و همچون گذشته در مقام عمل، به جدایی دین از سیاست اصرار ورزید.

خسروپناه، جریان شناسی ضد فرهنگ‌ها، ص ۴۹۲ و ص ۴۹۶

.۳۲

در این سری پیام‌ها قصد داریم پیرامون احمد اسماعیل صالح السلمی بصری (۱۹۶۸ م) معروف به احمد الحسن یمانی یکی از جریان‌های نوظهور در مسیر مهدویت صحبت کنیم. احمد الحسن خود را وصی، سفیر و پنجمین فرزند با واسطه حضرت مهدی می‌داند و ادعاهای بیشماری کرده است.

احمد بصری، بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه در رشته شهرسازی در سال ۱۹۹۲ م، تا سال ۱۹۹۹ م در خلا اطلاعاتی به سر برد و هیچ سندی از زندگی او در این ایام در دست نیست. در سال ۱۹۹۹ م مدت کوتاهی را در حوزه آیت الله صدر در نجف گذراند و با فردی به نام حیدر مشتت در حوزه علمیه آشنا شد. یکسال پس از آن، ادعای خود را با حیدر مشتت در میان گذاشته و او (حیدر مشتت) را در سمت یمانیت و وزارت امام دوازدهم قرار داد.

پس از آن با زیر سوال بردن نیابت عامه علما و ادعای فساد مالی و ناکارآمدی دروس در حوزه‌ها، هر دو از تحصیل در حوزه علمیه انصراف داده، مقدمات تفرقه افکنی در حوزه را آغاز کردند.

در پیام‌های بعدی بیشتر به معرفی این فرد و نظریه‌هایش و همچنین نقد عقاید این فرقه می‌پردازیم.

درسنامه نقد و بررسی جریان احمدالحسن بصری، علی محمدی هوشیار، ص ۱۹ و ۲۰

۳۳.

فاسدی که بر علیه فساد قیام کرده است!

با توجه به آنچه در پیام پیشین گفته شد، احمدالحسن دلیل بیان ادعاهای خود را دیدن امام عصر در روپا و مطلع شدن از این وقایع بیان می‌کند. اگرچه در سال ۲۰۰۵ میلادی با بروز اختلاف بین احمدالحسن و حیدر مشتت، احمدالحسن در تناقضی آشکار خود را به صورت توأمان وصی امام و یمانی موعود معرفی کرد.

جریان احمدالحسن، مانند بسیاری از فرق انحرافی، پیش از آنکه یک فرقه دینی باشد، یک جنبش سیاسی است که هدف آن ایجاد اختلاف و فتنه و انحراف در کشورهای اسلامی (شیعی) بوده و به علاوه در صدد است با تخریب جایگاه علما و ناکارآمد جلوه دادن علوم دینی حوزه‌های علمیه و تبدیل نیابت عامه فقیه به نیابت خاصه خود، مردم را از فقها جدا کرده و زمینه را برای فروپاشی حوزه‌های علمیه فراهم نماید.

این جریان دارای نقشه راه و سناریویی از پیش تعیین شده است که آن را از دعوت‌ها و تفکرات انحرافی دیگر متمایز می‌کند؛ برای اثبات این حرف به دو نکته اساسی اشاره می‌کنیم:

هدف قرار دادن مسائل ضروری و مسلم در مذهب تشیع؛ مانند: تغییر مفهوم دایره عصمت، مصادره مهدویت و...

تکفیر شیعیانی که با دعوت احمد بصری مخالفت دارند؛ او تمام مخالفین خود را، ناصبی و نجس و تصاحب مالشان را جایز می‌داند.

درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری؛ علی محمدی هوشیار، ص ۲۸ و ۳۱

۳۴.

این خانه از پای بند ویران است

یکی از مهمترین ادعاهای احمدالحسن، ادعای وصایت به عنوان فرزند امام مهدی است؛ او برای اثبات این ادعا به روایتی از کتاب الغیبه شیخ طوسی استناد می‌کند که امام صادق از پدرانش و آنها از امیرالمومنین نقل کردند که پیامبر در شب وفاتش فرمود: یا علی! بعد از من دوازده امام می‌باشد و بعد از آنها دوازده مهدی هستند...

احمد الحسن مدعی است که مطابق این روایت، فرزند حضرت حجت و اولین مهدی بعد از ایشان است. شیخ حر عاملی در توضیح این روایت آورده است: «اما درباره حدیث دوازده مهدی پس از دوازده امام، اخباری در این مضمون صادر شده است که خالی از اشکال و مخالفت نیستند... به خاطر اینکه با سایر روایات تعارض داشته و بالجمله محل توقف می‌باشد... ضمن اینکه شیخ طوسی این روایت را در ردیف احادیثی که از طریق مخالفین در نص ائمه صادر شده، آورده است.» (۱)

همانند شیخ حر عاملی، بسیاری از علمای شیعه این روایت را مخالف مشهور دانسته و آن را به عنوان خبر شاذ و نادر معرفی کرده اند. (۲)

۱- شیخ حر عاملی، الفوائد الطوسیه، فائده ۳۷، ص ۱۱۵؛ ۲- درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری، علی محمدی هوشیار، چاپ اول، ص ۴۹

۳۵.

شتر در خواب ببند پنبه دانه!

یکی دیگر از دستاویزهای احمدالحسن برای اثبات حجیت قطعی خود، که آن را شهادت پروردگار بر خود هم می‌داند، توسل و اعتماد به خواب و رویاست؛ این نوع ادعا در میان فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی تازگی ندارد و بسیاری از آنها از این روش بهره برده و می‌برند.

باید دقت داشته باشیم که اولاً خواب تحت هیچ عنوان برای انسان تکلیف شرعی نمی‌آورد؛ حتی اگر رویای صادقه باشد؛ دوماً هیچکدام از انبیا گذشته و ائمه معصومین، برای اثبات حقانیت ادعای خود به خواب متوسل نشده اند.

سوما بعید نیست آنچه در خواب دیده ایم (ولو چهره ی معصومین باشد، چون برای ما تشخیص چهره معصوم ممکن نیست و ما تا به حال ایشان را ندیده ایم)، یک نوع خواب سازی توسط شیطان و جن بوده باشد، که خود را معصوم معرفی کرده است.

در خصوص این مورد علامه حلی، در پاسخ به فردی که پرسیده بود اگر شخصی در قالب معصوم به رؤیای افراد ظاهر شده و دستورات و القائاتی داشته باشد، تکلیف چیست؟ گفته است: در این صورت مسأله از دو حالت خارج نیست:

الف: دستوراتی که مخالف ظواهر کتاب و سنت است.

ب: دستوراتی که موافق کتاب و سنت است. با این وجود گروه اول مردود بوده و گروه دوم جائز العمل است، نه واجب العمل.

این در حالی است که تمامی رؤیاهای دیده شده در خصوص احمد بصری با دستورات کتاب و سنت مخالف اند.

درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری (علی محمدی هوشیار)، چاپ اول، ص ۱۶۷ تا ۱۷۱

۳۶.

اثبات حقانیت با استخاره!

یکی دیگر از ادله مورد ادعای احمدالحسن، برای اثبات حقانیت خود، پافشاری بر استخاره گرفتن با قرآن کریم است؛ که در کارنامه سایر مدعیان هم دیده می‌شود. باید دقت کنیم که نهایت چیزی که استخاره برای انسان به ارمغان می‌آورد، رفع تحیر بین دو امر است و همانند خواب و رویا، هیچ وقت برای انسان مبنای عمل و تکلیف شرعی قرار نخواهد گرفت.

از طرفی هم رجوع به قرآن برای تعیین تکلیف، مصداقی (تفال به قرآن) مورد نهی معصومین بوده است و احمدالحسن با سوء برداشت از احادیث و تغییر معنای عبارات، سعی در اثبات حجت بودن استخاره، برای وصی و جانشین رسول خدا داشته است؛ این در حالی است که هیچ دلیل عقلی و نقلی برای تشخیص وصی پیامبر با استخاره وجود ندارد.

درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری؛ علی محمدی هوشیار؛ چاپ اول، ص ۱۷۲ تا ۱۷۶

۳۷.

شباهت های شیخیه، بابیت و بهائیت با جریان احمدالحسن

در پیام های گذشته به بررسی هریک از فرقه های مدعی مهدویت، جانشینی، وصایت و حتی شاعریت نظیر شیخیه، بابیت و بهائیت و احمدالحسن پرداخته شد؛ پس از بررسی دقیق و مطالعه تاریخی درباره این چهار فرقه، به اشتراک در ایدئولوژی و مشابهت های روشن در آنان پی می بریم؛ چند مورد از آن شباهتها عبارتند از:

افراط در توجه به حدیث و رد قواعد عقلی در فهم و استنباط احکام.

مخالفت با مراجع شیعه و تبدیل نیابت عام به خاص.

معرفی خود به عنوان واسطه فیض بین امام و مردم.

ادعای آشنایی کامل با علوم اهل بیت.

دیدار با اهل بیت در خواب و بیداری.

تفسیر به رای آیات و روایات.

صدور فتوهای مخالف با قرآن و روایات.

مبارزه با نظام روحانیت شیعه و منحرف دانستن آن.

ادعای پلکانی بودن مقام های الهی از ذکریت تا الوهیت.

درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری؛ علی محمدی هوشیار، چاپ اول، ص ۲۳۹

۳۸.

فرقه های بروز شده

با توجه به پیام قبل، لازم است بدانیم که فرقه احمد الحسن یمانی، از ایدئولوژی منسجم تری نسبت به شیخیه، بابیت و بهائیت برخوردار است؛ احمد الحسن علاوه بر مخالفت با مراجع، خود را وصی، فرستاده، یمانی موعود و صاحب عصمت دانسته و با مصادره ی تمام اوصاف حضرت مهدی در تلاش است که با وجود خود، مردم را از قیام امام زمان بی نیاز کرده و خود را حضرت حجت معرفی کند.

همچنین ادعاهای او بصورت پلکانی ابتدا از تغییر نام، سپس مشاهده حضرت در رویا و بعد دریافت دستور از ایشان در عالم بیداری و بعد از آن فرزندی و وصایت امام و در نهایت یمانیت صورت گرفته است؛ او همچنین با نوشتن چند کتاب، بیشترین انحرافات را که همه در مخالفت صریح با روایات می باشد، به تشیع وارد نموده است.

درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری؛ علی محمدی هوشیار، چاپ اول، ص ۲۳۷-۲۳۸

امام شناس شو؛ تا حق را از ناحق تشخیص دهی!

یکی از شیوه‌هایی که با آن می‌توان ادعای احمدالحسن را رد کرد، ارائه معیارها و نشانه‌هایی است که می‌توان به کمک آنها، امام حق را از مدعیان دروغین بازشناسی کرد.

اولین نشانه، علم امام است؛ علمی که منحصر در اختیار امام است:

علم به همه زبان‌ها

علم به حرام و حلال الهی

آگاهی از آنچه فردا رخ می‌دهد

آگاهی از غیب

دانش به کتاب خدا

وصیت، یکی دیگر از راه‌های شناخت امام است؛ وصیتی که دقیقاً امام بعد را مشخص می‌کند و راه را بر مدعیان دروغین می‌بندد؛ البته این امر شاخصه‌هایی هم دارد که یکی از آنها حضور گواهان هنگام وصیت است.

سومین معیار که در روایات متعدد بیان شده است، همراه داشتن سلاح پیامبر است؛ یعنی سلاح آن حضرت نزد هر کس که باشد، او جانشین حضرت و امام منصوب از ناحیه خداوند است.

در سری بعدی پیام‌های انحرافات مهدویت به صورت تخصصی، به موضوع احمدالحسن خواهیم پرداخت و توضیح کامل موارد ذکر شده در این پیام، تمام ادعاها و نظریه‌های او همراه با نقد آنها را برای شما بیان خواهیم کرد.

منتظر ما باشید...

راه و بیراه، نصرت الله آیتی

آنچه گذشت!!!

۴۰ هفته با ۴۰ پیام، با موضوع انحرافات مهدویت همراه شما بودیم؛ در بخش اول این سری پیام‌ها، سعی ما بر این بود تا شما را به صورت خلاصه با عوامل پیدایش و استمرار بخش؛ ویژگی‌ها و پیامدهای جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت آشنا کرده؛ همچنین راهکارهای علمی و عملی برای مقابله با این جریان‌ها را بیان کنیم.

در بخش دوم پیام‌ها، با معرفی و بیان دیدگاه تعدادی از فرقه‌ها، شما را با ماهیت پوشالی آنها آشنا کردیم تا با علاقه‌مند شدن به مطالعه در این حوزه، به صورت علمی و عملی به مبارزه با آنها بپردازید.

همچنین در آینده نزدیک به صورت تخصصی، به معرفی فرقه‌های پرتطرفدار خواهیم پرداخت و راهکار مقابله با آنها را نیز بیان خواهیم کرد.

سخن آخر اینکه: آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که امام شناسی و مطالعه در این زمینه، وظیفه هر فرد منتظر است؛ تا حق را از ناحق تشخیص دهد و گرنه در تلاطم‌های آخرالزمانی قطعاً اسیر گردباد خواهد شد.